

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۶/۱۸

طارق ارسلانی

دخترک "نوازنده نابینا"



سالیان خیلی ها قبل در کابل ترجمه ناول "نوازنده نابینا" اثر نویسنده روسی "ولادیمیر کارلانکو" را مطالعه نموده بودم. ناول نهایت حزن انگیز ولی زیبا که رنجهای و مشکلات یک پسر نوجوان نابینا را که عاشق دختری است، بیان میدارد. نویسنده این ناول را بر مبنای داستان "غیر واقعی" یا fiction خلق نموده است. اما شب گذشته در برنامه "امریکا دارای استعداد است" شاهد حضور "دخترک

نوازنده نابینا" بودم که یکبار دیگر خاطره ناول "نوازنده نابینا" در ذهنم تداعی یافت، با این تفاوت که قهرمان این داستان "واقعی" است. خواستم تا ویدیوی این داستان را با دوستان شریک بسازم. البته در کنار بُعد تفریحی یا هنری این ویدیو، اگر کمی عمیقتر شویم میتوان در لابلای آن خطوط موازی را با زندگی و جامعه خود ترسیم نمایم .

ویدیو دخترک نوجوان اندونیزیایی را نشان میدهد، که عدم بینایی در یک جامعه سنتی/اسلامی، محدودیتهای بیشمار زندگی را در جلو راهش گذاشته است. اما دخترک با آنکه دید اش نابینا ولی تصور اش از دنیا روشن است (بر عکس اکثریت ما که دید ما بینا ولی دنیای ما تاریک است). دخترک میخواهد ثابت کند که رمز موفقیت در "تصور بینا" است نه در "چشم بینا". دخترک مصمم است تا بر قله های بلند آرزوهایش برسد و اگر نمیتواند با چشمان خود به تماشای دنیا بنشیند، میخواهد با سحر "آواز" دنیا را به تماشای خود بنشانند

ویدیو مادر و پدر قهرمانی را نشان میدهد که آرزوی دخترک نابینای خود را درک میکنند، به خواست فرزند احترام میگذارند، و در یک جامعه سنتی/اسلامی گام به گام در کنار فرزند خود می ایستند تا آنکه هزاران مایل دورتر از خانه دخترک نابینای خود را بر روی مشهورترین ستیج دنیا همراهی میکنند. این مادر و پدر از خواستهای خود نردبانی ساخته و آنرا در جلو پای فرزند گذاشته اند تا با گام نهادن بر آن، فرزندشان به معراج آرزوهای خود صعود نماید. بر عکس آنچه که در جامعه ما معمول است و بهترین استعداد های فرزندان بخاطر آرزو ها و خیالات والدین بزیر خاک میگردد....

ویدیو همچنان تماشاچیان را نشان میدهد از "فرهنگستان" دیگر که برای دخترک نابینای اجنبی چنان احساسات نشان میدهند و چنان اشک میریزند که آواز انسانیت را تا آسمانها بلند میکنند. هیأت دآوری دخترک نوجوان-مسلمان-مُحجبه (حجاب پوش) را چنان تحسین و تمجید میکنند که داور یهودی مذهب با هیجان از جا میپرد و میگوید: "زیاد مردمان به فرشته باور ندارند، اما همین لحظه فرشته یی بر ستیج ما فرود آمد." در دنیای ما که سیاست و مذهب میان انسانها دیوارها بلند میکنند، این ورزش و هنر است که دیوارها را برمیدارند و انسانها را با هم نزدیک میسازند .

"هفت کوی انسانیت را اغیار گشت +++ ما هنوز در پی "قاعده" در کوچه "بغداد" میگردیم امید مورد پسند قرار گیرد.

د پانو شمیره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ